



قرآن و جاذبه عمومی

۱ - تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ
الْحَقُّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ:

: اینست آیهای کتاب (۱) و همه آنچه از طرف پروردگارت
بر تو نازل گردیده ، حق و استوار است ، ولی بیشتر مردم به آن
باور ندارند .

۲ - اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا
ثُمَّ أَسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي
لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ
رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ

: خدائی که آسمانها را بدون ستون مرئی ، برافراشت ،
سپس بر عرش (قدرت) استیلا یافت ، آفتاب و ماه را (برای شما)
مسخر ساخت ، هر يك تا مدت معلومی به حرکت خود ادامه
میدهند ، خدا امور جهان آفرینش را تدبیر میکند ، آیات خود
را تشریح می نماید ، باشد که به (روز رستاخیز) و لقاء پروردگار
خود یقین پیدا کنید .

* * *

۱ - منظور از کتاب در این آیه قرآن است و «الف و لام» اشاره به معهود بودن آنست یعنی
این آیات کتاب معهود است که در انجیل و تورات به نزول آن نوید داده شده است و با آیات
آن کتابی است که پیامبر اسلام مدعی نزول آن میباشد و برای همین دو جهت لفظه کتاب به
صورت معرفه (الکتاب) آورده شده است و مفاد آیه اینست : آنچه در این سوره وارد شده از آن
کتاب با عظمت است ، سپس برای اینکه درباره آیه های سوره های دیگر ، تصور دیگری نشود ،
با جمله «والذی انزل الیک من ربک الحق» هر نوع احتمال تبعیض در عظمت را ، نفی نموده و همگی

بررسی آیات سوره ثابت مینماید که هدف سوره ، تشریح دلائل توحید خدا و طرح براین یگانگی وی ، از طریق بیان نظام آفرینش و رموز جهان هستی ، میباشد ، از این نظر پس از آنکه خداوند در آیه نخست همه آیات قرآن را صحیح ، متقن و استوار معرفی می نماید ، برای اثبات اتقان آن و درعین حال اثبات توحید خود ، در آیه بعدی به شرح برخی از قوانین عظیم جهان خلقت که امروز از محیط فرضیه ، قدم به جهان «قوانین علمی» گذارده و احیاناً جنبه حسی بخود گرفته است ، می پردازد

تنها مضامین همین آیه دوم کافی است که ثابت کند که آورنده قرآن ، باجهانی مافوق ماده ارتباط داشته و این حقایق علمی را که در آنروز برای احدی مکشوف و روشن نبود ، و قرنها پس از نزول قرآن کشف شده است ، از جهان دیگر اخذ کرده است .

فرازهای پنجگانه ، حاوی نکات علمی مفصلی است ، شاید که در باره هر یک ، بطور مشروح بحث نمائیم ، اینک همراه در اینجا به طور اجمال می آوریم و در طی دوشماره در باره آنها بحث میکنیم :

۱ - جاذبه عمومی

۲ - استیلا بر عرش قدرت

۳ - تسخیر خورشید و ماه

۴ - حرکت عمومی کرات آسمانی

۵ - تغییر جهان آفرینش

هم اکنون به تفسیر نخستین قسمت آیه که یکی از معجزات علمی قرآن است ، می -

پردازیم .

→ راجح و ثابت خوانده است.

گواه بر اینکه منظور از کتاب ، قرآن است ، همان آیات مشابهی است که همه مفسران آنرا بر قرآن تطبیق نموده اند مانند آیه های «الر» تلك آیات الكتاب الحكيم «المبین» (یونس ۱ و یوسف ۱) طسم تلك آیات الكتاب المبین (قصص ۱).

برخی (المیزان ج ۱ ص ۳۱۴) نظر داده اند که ممکن است مقصود از «الكتاب» کتاب آفرینش و نسخه هستی باشد ، بگواه اینکه در آیه دوم اسرار و رموز هستی مورد بحث واقع شده است و منظور از جمله والذی انزل الیک من ربك الحق ، همان کتاب تشریحی و قرآن است ، و این نظر در المیزان تا حدی ستوده شده است

قرآن و جاذبه عمومی

صفحه نیلگون آسمان ماهواره با اجرام شفاف ، و درخشنده خود مورد توجه انسان بوده است ، و در هر دوره ای به نحوی مورد تفسیر واقع شده و نظرات گوناگونی پیرامون آن ابراز گردیده است .

روزگاری هیئت «ذیمقراطیس» دورانی هیئت «فیثاغورث» افکار دانشمندان جهان را بخود مشغول ساخته ، و سپس فرضیه «بطلیموس» که یک قرن و نیم پیش از میلاد پدید آمد ، حدود ۱۵ قرن بر جوامع علمی جهان از شرق و غرب حکومت کرد . و در نهضت اخیر علمی غرب اساس آن بوسیله چهار دانشمند غربی متزلزل گردید و معلوم شد که آن همه تفسیرها و دقتها ، پیرامون آسمانها و زمین پنداری بیش نبوده است .

«کپرنیک» لهستانی ، مرکزیت زمین را تکذیب کرد و «کپلر» آلمانی ثابت نمود که هر سیاره ای به گردش خود به دور خورشید یک مدار بیضی شکل را طی میکند ، «گالیله» ایتالیایی با اختراع دوربین ؛ ستارگان نامرئی بسیاری کشف کرد ، «نیوتون» با کشف قانون جاذبه عمومی ، ثابت نمود که بر خلاف پندار «بطلیموس» که تصور میکرد که ستارگان مانند میخ بر پیکر جسمی بی رنگ (فلک) کوبیده شده اند ، میلیونها منظومه شمسی و کهکشانها و سحابیهادر فضا معلق است و در پرتو قانون جاذبه و قانون نیروی گریز از مرکز که درست اسر جهان آفرینش ، در تمام کرات و سیارات و کواکب و کهکشانها و حتی میان دوزخه بسیار کوچک و ناچیز حکمفرما است ، از سقوط و اصطکاک مصون و محفوظ مانده اند .

خلاصه ای این دو قانون اینست که تمام اجسام دارای حالتی هستند که یکدیگر را جذب میکنند و هیچ موجودی از جاندار و غیره از این قانون مستثنی نیست ، نیروی جاذبه با فاصله دو جسم نسبت معکوس دارد یعنی هر چه اجسام بهم نزدیکتر باشند نیروی جاذبه آنها بیشتر می شود اگر تنها قانون جاذبه بر جهان حکومت میکرد اجرام آسمانی بهم خورده و انتظام از بین می رفت ولی قانون نیروی گریز از مرکز موجب برقراری تعادل در میان اجسام گردیده است .

و این قوه در همه اجسامی که حرکت دورانی دارند موجود است هنگامی که آتش گردان را می چرخانیم احساس می کنیم که دست ما را میکشد ، این همان نیروی گریز از مرکز است .

در سایه این دو قانون میلیونها موجود در فضا معلق است ، و بدون ستون ، به حرکت خود ادامه داده . و کوچکترین اصطکاک و سقوطی در آنها رخ نمیدهد !

* * *

شک نیست که وجود نیروی مرموزی را در درون زمین که همه اجسام را به سوی خود میکشد، و همه پیش از «نیوتن» آنرا احساس کرده بودند اما اینکه این قانون عمومی در سرتاسر جهان آفریش می باشد کسی پیش از نیوتن ظاهراً از آن آگاهی نداشت، و تنها او بود که برای نخستین بار در قرن ۱۷ میلادی با الهام گرفتن از سقوط یک سیب به زمین پرده از روی این قانون بزرگ برداشت.

می خواهید شما هم مسأله سقوط سیب را افسانه و ساختگی بدانید آنچنان که هوپ Hop دانشمند معروف تصور کرده است یا برای آن واقیعت قائل باشید، در هر دو صورت این را نمیتوان انکار کرد که کشف قانون جاذبه عمومی نیوتن است.

اهمیت این قانون بقدری است که بعضی قرن ۱۷ را قرن نیوتن نامیده اند، نیوتن ساعتهای طولانی درسکوت و اندیشه فرو رفت، تا توانست این قانون پیچیده را کشف کند و این جمله را اثبات نماید که «هر دو جسم یکدیگر را به نسبت مستقیم جرمها و به نسبت معکوس فاصله ها، جذب میکنند» (۱).

قرآن مجید، متجاوز از ده قرن قبل از نیوتن به این حقیقت علمی در دو جای قرآن (۲) تصریح کرده و میفرماید: «اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا، خداوندی که آسمانها را بدون ستون مرئی برافراشته است.

توضیح اینکه مفسران در جمله «بغیر عمدترونها» دو احتمال داده اند.

۱- جمله ترونها صفت «عمد» که جمع «عمود» است باشد و ضمیر در «ترونها» به «عمد» برگردد در این صورت معنای جمله چنین خواهد بود: خداوندی که آسمانها را بر افراشت بدون ستونی که دیده شود. و در حقیقت، آیه ستون مرئی رانفی میکند، نه اصل ستون را. این نظر را بسیاری از مفسران از آن جمله ابن عباس اختیار کرده اند (۳) و احادیثی که از پیشوایان ما رسیده. کاملاً آنرا تأیید میکند.

حسین بن خالد از امام هشتم علی بن موسی الرضا (ع) نقل میکند که آنحضرت فرمود

الَيْسَ اللَّهُ يَقُولُ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا؟ فَقُلْتُ بَلَى قَالَ: ثُمَّ عَمَدٌ لَكِن لَاتَرَوْنَهَا (۴)

۱- قرآن و آخرین پیامبر (ص) ۱۶۹

۲- یکی همین سوره و دیگری سوره لقمان آیه ۱۰

۳- التبیان ج ۶ ص ۲۱۳

۴- برهان ج ۳ ص ۲۷۸

آیا خداوند نمیفرماید که بدون ستونی که دیده شود، گفتم آری چنین است . فرمود:
در آسمانها ستونهایی وجود دارد ، ولی دیده نمیشوند.

مؤید این نظر روایتی است که از امام امیرمؤمنان (ع) نقل شده که فرموده است : هذه النجوم التي في السماء هدائن مثل المدائن التي في الارض مربوطة كل مدينة الى عمود من نور (۱) این ستارگان شهرهایی هستند ، مانند شهرهای روی زمین وهرشهری با شهر دیگر، با ستونی از نور مربوط می باشد روی این نظر، باید دید، منظور از ستونهای نامرئی که ستارگان را از سقوط و استکاک حفظ مینماید چیست؟ آیا جز آن نیروی رموزناپیدائی است که نیوتن و دانشمندان دیگر نام آنرا ، «جاذبه عمومی» نهاده اند؟ و عبطرتی رساتر و همگانی تر، جز از «ستون نامرئی» میتوان پیدا کرد؟!

قرآن در رسانیدن این حقیقت علمی تعبیری را انتخاب نموده که در تمام ادوار ، برای بشر قابل درک و فهم باشد ، حتی در آن دورانی که بشر بواقیعت این ستون نامرئی پی نبرده بود ، از این عبارت می فهمید که این کاخ بی ستون ، ستونهایی نامرئی دارد ، که بسان ستونهای عمارت ، این کاخ برافراشته را حفظ مینماید .

۲- «ترونها ، را جمله مستقل گرفته مرجع ضمیر را «سماوات» بدانیم- در این صورت معنای آیه چنین می شود آسمانها را بدون ستون برافراشت ، و شما نیز آنرا بهمین وضع مشاهده میکنید .

این نظر علاوه بر اینکه با احادیثی که از پیشوایان ما وارد شده مخالف است ، خلاف قواعد ادبی است زیرا تا آنجا که امکان داشته باشد باید ضمیر به نزدیکترین مرجع «عمد» برگردد ، و ارجاع آن بدور (سماوات) خلاف ظاهر است .

قرآن مجید در آیات دیگر نیز، به بی ستون بودن آسمانها و زمین اشاره کرده آنجا که می فرماید :

ان الله يمسك السموات والارض ان تزولا... (فاطر-۴۱) خداوند آسمانها و زمین را از اینکه از محل خود بیرون بروند ، نگاه میدارد .

امام امیرمؤمنان (ع) در برخی از خطبهها به این حقیقت علمی درباره زمین تصریح کرده و می فرماید : «ارساها علی غیر قرار و اقامها بغیر قوام و رفعا دعائم (نهج البلاغه خطبه ۲۲۸): زمین را بدون تکیه گاه، استوار ساخت، و آنرا بدون پایه، پیاداشت ، و بدون ستون برافراشت

۱- سفینه البحار ماده نجم ج. ۲ ص ۵۷۴ و قریب بهمین در مجمع البحرین ماده کوکب وارد شده است و بجای جمله عمود من نور، عمودین من نور. و ممکن است منظور از عمودین (دوستون) همان دو قانون نیروی جاذبه و گریز از مرکز باشد . ص ۱۳۲ مجمع البحرین